

رژیم شاه درین بستان



سرنوشت کودکان ایرانی: گرسنه و سرگردان

به مناسبت

اولاد روشن روز جهانی کودک

شاه و شوکا: پس، شوکا می که بر اثر فشار و بیاحسان
نبردهای ملی و بینالمللی کشنده نوده ای و تحولات ژرف جهانی
به عقب برده شدند و آماده بخت نمرود و پستی روی دامنه د ار
شده اند. شاه در مصفا کنگدست و طی صاحبی با
خبرنگار "شوکا" تهرانی "باخوشی و بیادارگیستی
ناگفته کرد که "مافان را در همبام تگست: شاه با این
ناگفته بر روی ابروهای بوج و چون رنگ کن قلی خود را بر
تعقیب سیاست به اصلاح "حد اکثر آزادی" کمال هایلرها
یا های و میو بسیار در لرزه آورده بود، خط بطلس
کشید و روش های خشونت بار و رماوی و اختفای را مورد تائید
قرار داد. ازینک در هفته پنجاهم از آن، اختفای و سوسی
حد و مانع ساواک، گنجه مایه به طور نسبی تعدیل و تعدیل
شده بود و همان بازگردانده شده بود. ضمنی از اختفای
احرام ساواک از چند ماه قبل به شهربانی منتقل شده بود و
ساواک عمدتاً معزیت سارما، حاسوسی و کسب اطلاعات را ایفا
می کرد. با این همه در دست سوسی، وظیفه اصلی ساواک جمع
آوری اطلاعات اختفی، شناسایی گروه ها و سازمان ها و
تفحص و محال و واگذاری برای این اطلاعات به مسئولان
شهربانی بود. اما شاه، شوکا، ناگهان تغییر جهت
دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که رژیم که تارن و ریشه
فاسد و گندیده است و در پناه همین آن را از مردم جدا
می سازد و در تمامی عمر نیکت با مردم حز بازبان گول و تازیه
در اع و در رفتن از آن باجلی های ماسخ ننگه و به
شامی و به و لام و رماوی، همواره سر بر آستان امیرالهی
جهانی ساخته است. بدین شکجه گران و مناینگران سارما
اصت کاری از پیش نمی برد. اولین نوره احمای وسیع در
اختفای جنبی ساواک و تعمیر سیاست و انگلری محاکمه

براست محترم کمیون در حقن بشر
انگین هفت سال است که اینجانب همروز حق ضیح
فرزند حسین شولند سوز آمو ز کنگر پیشین در هکات
آذربایجان به حرم این که عقاید سیاسی من برخلاف میل
مرکز کنترل عقاید و اندیشه های حکومت حاکم بوده و
با حفظ صلحانه ما و ران سازمان ازینجا بازداشت شده ام
واز اولین لحظه اسارت من زنده به ترین شکجه سیاسی
حسی و روشی قرارگرفتم که انواع آن برای تمام سازمان ها
بهن انگلی و مردم آزاد بشوای و ضرفی جهان شناخته شده
است. بازوجه به پرونده ساختگی رژیم حاکم در طول این
شکجه های غیر انسانی ایرانی که الی روز تا قیام انتقامات
ورده در درگاه های نظامی باشد از من نگرفته اند و
توجه به اعلامیه حقن بشر که دولت وقت نیز حقن بشر
شده در این میثای را در خصوص شکجه خود قبول دارد و
به استناد ماده ۵ آن اعلامیه که بیان می نماید "لشکر
را نمی توان تحت شکجه یا مجازات بارفراری قرار داد که
طالبان و یا برخلاف انسانیت و مشرفن بشری و یا حوسن
باشد" و همچنین به استناد ماده ۱۴۱ قانون مجازات
حسی "فصل شکجه ضرف قانونی بوده و کنگه اختفای ضمیمه
در زیر شکجه چه در طبع خود و چه در طبع دیگران فاش

نامه تکان دهنده ای از شکجه گاه

این نامه ای است از زندان و جدایی است
از اعضای شکجه گاه های دوزخی شاه.
آنگه در این نامه تکان دهنده آمده
است و صف زندان است برای رسوایی
ایدی رژیم جنایتکاری که تاریخ بشری
تسر نظیر آن راه با دارد.
"جد" همین نامه ضیف مبارز همروز حقن
را برای ثبت در تاریخ افشای گوشه ای
از پلیدی های ناشناخته در دست
الهی شاه چاپ می کند؛

کلرگران ایران، در راه احیای سازمان های صغنی و سیاسی خود مبارزه کنید!

رژیم شاه در بن بست

برای دانشگاهها تجویز شد و بلافاصله به مرحله اجرا در آمد. اما برای آن که نقش مستقیم ساواک و دولت در پیشبرد این سیاست خشن سازماندهی ای، پشت پرده به مانند دستک سخره ای هم تراشیدند به این هیچ توضیح و تفسیری در روزنامه های گوناگونی منتشر کردند که دانشگاهها از این "ستار" بی شوند - که یعنی هر برنامه و تصمیم فدای دانشجویی و فدای ملی که اجرا در می آید، دست بخت خود دانشگاههاست و دولت و ساواک در آن دخالت ندارند!

شاه به سم آخیزده - او بر آنست که با توسل بسیم مدعیترین روشهای سرکوب میگفت جنبش خود ما را بطریق راه صحیح پشت صحنه به دیوار دیکتاتوری می کوبد و خاموش کند. او به خبر شگفتانگیزین گفته است تا وقتی با لاطمیت عمل می کند و از آنکس و بظاهر آن خبری نماند. شاه در لابلای این کلمات فریاد می زند که رژیم بیکم و یکم خورده او نه توانایی و نه ظرفیت باز زدن فضای سیاسی کشور را ندارد. کشتن فریاد آزادی و جز می ترین جریان هوای تازه و این عجبایی گندیده را که صدراه هرگز به پیشرفت و تحول و تازگی است و تلاش می کند. شدت عمل و خونیتری و قساوت و کویه پاران کردن مردم در سلاح و بی اندازی به خانه مخالفان، هیچ گاه های اشرف و چاقو کسان و چوبی به ستان طبع مخالفان، بدلیل ضعف آشکاره بدین روش و تدبیران حاکم است.

شاه احساسی میگردد زیر پایش می لرزد. در طوفانی این یکی دو سال گویی فری بر همین مانده است. مردم دیگر می شنوند. ترسها ریخته و زبانها باز شده. در کوچه و خیابان در تانکی و تانکوی و در ضابطی و نانوا و در اداره و دانشگاه و سیم تر از همه در کارگاهها و کارخانهها - آنجا که ارتش سلطنتی و شکست ناپذیر انقلاب سرگردند در آنکس طعم غیبت است - حرفها و نسا و رطوبتی و چینی آتش را بر دیوار می کشد. دستها و چشمها و سرخوشه از خشم و تازگی و عصیان و دیکتاتوری را تهدید می کنند و طریقت تصویر وضع و تحول و جبار کردن در پوسته استبدادی رژیم شترکه همه بختها و بخت محال و بیخاست است. مردم بیدار به سینه آید با این سوداها در شیرها و دانشگاهها به استقبال گلوله و تانک و سرنیزه می روند. از جان خون هر شهید و در همه مبارز تازه نفس بر می خیزند. مرگ و عمل شترکه رعب آفرین است که درون آن با دروغ و شایعه و تزویر انباشته شده برنگه باخته و از ایهت افتاده است. شاه می داند که در چنین اوضاعی مردم به حرکت در آمده به هیچ چیز جز سفر طار و رجاله ها و روسپان سیاسی در هر اورا نمی بینند. بنابراین هر قدم عقب نشینی او، همه عقب نشینی های بیشتر است و هر امتیازی که از دست می دهد، همی است که به طغیان می گردانند و این افتد و منتقل خواهد شد. با این محاسبات همه آرزوی شاه و چکمه پوشان وانگ های رژیم ضمن فریاد باز گرداندن اوضاع به شرایط نسبتا آرام گذشته است. با این خواب و خیال شاه است که شاه تهدید می کند که: "مخالفان را در هم خواهیم شکست". اما این خواب و خیال تا چنانچه از لابل تعبیرش است؟

بگذریم خواب این سؤال را از زبان یکی از همدمها معتبر و شناخته شده خود رژیم به هم. ستانیز ساسور با هر همدم نزدیک جناب محضر رفاهان پهلوی در سنوات گذشته و محترفات سیاست های فراوان گویی رژیم و بدلیل حال تر طبقه حاکم میبند می جفوی می درجده و در روز پیغمبر به اجتماع نسبتا خصوصی که در محل سندیکا و شرکته های ساختمانی برگزار شده بود و با تجزیه و تحلیل اوضاع ایران به این نتیجه گیری رسید که: "شاهنشاهی تصمیم دارند اوضاع را به حالت سابق برگردانند. اما بین تصمیم ایشان و امکان عملی شدن آن خیلی جای حرف است. آنچه محرز است اینست که جامعه میسر جامعه چند سال پیش نیست."

پیروزی زندانیان اعتصابی قزل حصار

اعتصاب خد ارتقا داده بودند. خواست های معده اعتصابین عبارت بود از: اجازه ملاقات به اقوام درجه دوم، دریافت کتب و نشراتی که در خارج از زندان مجاز است، امکان داشتن راهپیمایی در صبح برای هر زندانی، زندانیان اعتصابی در نتیجه یکبارگی و پیگری خود در حصاره حقوقی شدند به معنی خواست های خود دست یافتند.

زندانیان سیاسی زندان قزل حصار پس از هفته ها مقاومت و پایداری موفق شدند مبارزه اعتصابی خود را به پیروزی قطعی برسانند. این زندگان در بند از هفته ها پیش برای دست یابی به خواست های اولیه انسانی و مکانی خود دست به اعتصاب ملاقات زدند و بودند و از دریافت چیزی نداشتند. زندانیان خود دلی می کردند و آخرین خبرهای رسیده نشان می داد که پاره ای از زندانیان مبارزه خود را تا حد

این کلمات که طی رفیق گنده آتش سرشار از واقعیت است و هنگامی طبع همی تری می باید که در نظر بگیریم جناب مهندس جفوی از ولایتگان می چون و برای امیرالهیسم امیرکا و از مولودین جناب از دیوگرات های بانکی است و از جمله ماه پیش از ملاقات و پشتکار تعجب آوری در تلاش ایجاد یک حزب سازمان سیاسی است. مهندس جفوی در همان جلسه یاد شده که یکی از نشست های مرتب او طرفدار ارتش بود و از ماجرای دیگری نیز که روشنگر بسیاری از جوانان ساسول ایران است و برده برداشت. او گفت که اطلاعاتی در باره کاخ سفید نشینان واشنگتن اخیرا توسط یک لابی امیریکایی به شاه پیام داده اند که اهداف امیرای سرو سامان دادن به اوضاع از طریق بازگشت به لائیک می کنند و تکرار کنند. ماست. ضمیمه واقعی بنای که فضای امیریکایی همراه خود آورده هر چه باشد، یک امر لرزشی می کند و آن این که بین متافع نمای می و دراز مدت امیرالهیسم با مصالح شخصی و سیاست های دیکتاتوری ایران تعارضی می وجود دارد. امیرالهیسم که آگاه است که توازن قدرت ها در کشور جهانی به هم خورده و نیروهای صالح و سوسیالیسم ترقی به صورت قابل تعیین کننده جریان و سر حرکت تاریخ در آمده اند و شیوه های جدیدی استقرار پذیر گویی و چهارول و روابط دیگر گسترده است، به معنی و شیوه های تازه و نقاب های ناشناخته تر بر آمده و همه همی ضلعه حفری بخور یکی از شرکتهای این شاورتی بازی های سیاسی است. اما به نظر می رسد که شاه در خواب فرگوشی طولانی خود از مشاهده و درک تحولات و پیروزی های جهان پرچم می که در آن سنگه روی سنگ بند نیست، عاقل جسر مانده و همچنان در دست می به سلاح کینه داغ و دروغ و ظلمت و چوبه های در جیبیده است. این رویه خشن آبیخته به چنین سخن و رشوات مکن است که چند سفر ط حقی تاج و تخت لوزان آفریه تعویب اندازد، اما در دراز مدت متافع حیاتی امیرالهیسم را هم دچار مخاطره میکند و برای حاکمیت سرمایه را در ایران زیر حلا ت مسوالت می گذارد. چنین است که شاه بر سر بله دورا همیسی ایستاده، به گرایش از زمین رژیم او را به عقب نشینی های ناگهانی و احمای صوری پارامی از حقیق قانونی و پامال شده مردم می خواند و گرایش دیگر که با دل شاه هنوز است در برابر هر ویب عقب نشینی به او هشدار می دهد و او را بر حذر می دارد.

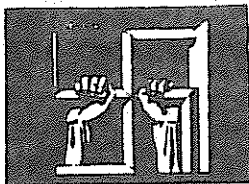
حرکت های لغو رژیم شاه گویا بر آنست که گرایش مردم قرام بیشتری می باید. جنبش گسترده و آبی گویسه دیکتاتوری چنان وسعتی گرفته که شاه پوینه های خوسون آشام رژیم را جدا به وحشت انداخته و پایه های خوسون تخت سلطنت را لرزه در آورده است. برای شاه هیچ ریزنه امید و با زینت و در این فضای پامال آور و لابی و جهانی او از بله سو می کوشد با پارامی از افزایش مترازل تر مخالفان صحنی از گروهها و جریان های مذ می کسار به باید و از سوی دیگر با استکرات و پیچ و پیوره ها و از گسترش و تصویب جنبش خود دیکتاتوری جلو بگیرد. این که آیا او خواهد توانست توازن سبکی را که به نیروی خلیق بر خاسته میبارکند و برای مناسب تر از آنچه مینماید

جفوی به طرفه لران خود داده و ندارد. ایران امروز دیگر ایران سالهای طلایی استبداد نبود که یکی نیست. جهان امروز هم با جهان در روز ترقی زیاد و دارد. گنگی و روحها و تبلیغات و صنایع سازی های شاه و شرکته به ته دیگ خورد، گران و ضار و دیکتاتوری و محرومیت های اجتماعی، شهری، بهداشتی و پزشکی، آموزشی، سیاسی و اقتصادی، شکست همه بر ناکه ها و دعای رژیم جان مردم را به اسب رسانده. سیاست افسار گسیخته نظامیگری و تاراج دلار های نفتی و اشغال خزنده و غارتگری کشور به وسیله دشمنان هزار گزشتن و شخص و مستشاران امیریکایی و لابی های همه راه خشم و طغیان کشیده. در کنار این واقعیت، حضور طبقه کارگر با لقی نیرومند و گسترده ای که حجم آن از هر طبعی نظر می گذرد و نشانه حفظ جنبه انقلابی و تحول و وجود ۱۰ میلیون محصل و ۳۰۰ هزار دانشجو در داخل و خارج کشور و نیروهای ۵۰ و ۱۰۰ هزار ریکتیک علمی و سیاسی، نماینده و سمت آگاهی و جریان گسترده فرهنگ ترقی در کشور است. با هزینه بر این همه مساله و سوسور نی توان فائق آمد. در این چشم انداز عوامل و عناصر و لژیون کننده در پوسته دیکتاتوری حاکمان اشغال و توانی هستند که قادر باشند به پیروزی قطعی بپندهند و اساس میزان عقب زدن استبداد و کسوتن فضای سیاسی و اقتصاد و درجه پیروزی، بستگی نام به زمینهها و شرایطی دارد که در راس آنها بستگی و هویت ملی و اتحاد عمل همه نیروهای دیکتاتوری و ضد استبدادی قرار دارد. برآوردگی نیروهای ملی و ترقی و صف آرای جد اجدادی آنها، به استبداد رژیم خورده این امکان را می دهد که با کمترین گذشت و حداقل بها، مواضع اساسی خود را حفظ کند و به انتظار فرصت های مناسب بپوشند. آنان که برای احیای آزادی و چشم به صدق بانکی ها و وضعیان و شکست یکبارگی حفری بشر دوخته اند و کسانی که هنوز امید به بخشش حفری پامال شده بر دواز طرف این رژیم ضد دیکتاتوری و عدل خانی و محرومیت و بی آینده دارند، هر چه به یکسان دچار خوسون خیالی و توهم اند و همین رؤیایان هستند که از یک سو راه برابر حکومت جلا دان و تاراجگران کرشمه می کنند و چراغ سبز نشان می دهند و از سوی دیگر برای جلب نظر سلسله رژیم به نیروهای چپ و دیکتاتوری واقعی و بی کسار جامعه ما می تازند و در هر فرصتی به سوی آن ها لجن می پاشند. این سازشکاران و خام دلان از ریزه نیز چند گ همان انتظار و دارند که دشمنان و مخالفان بین تجسس به منظوره عهد زاکانی داشته و سرانجام طعم جنگال های نیز دشمن خود ریز را در گشت پوست خود احساس می کنند. بدین این تحولات که تبه بنیان سازشکارانه و هیچ سد و مانع جدی در برابر اتحاد نیروند نیروهای ضد استبداد اما صرف نظر از گرا و عقاید و سلسله های آن ها وجود ندارد. بدین تشکیل چنین جنبه واحد و گسترده می باشند و بر دشمنی تا این حد نظرو سلسله و سلسله گروا و باخته و فارغ از نام و رنگ دشمنان نیز بر مفاد متر است. و بدین ش این ضرورت حیاتی و تاریخی، جنبه بافتن دست و پیر های چپ و در راس آن ها حزب طبقه کارگر ایران و حزب از آب و آتش گذشته توده بغیر واقعی است.

نامه تکان دهند های از . . .

سیاست حکومتی فشار و زور گویی به خاطر قطع تصور دین ارتباط زبانی با خانواده و زادگاه خود - مفهوم نیروی زندانی از حمایت مادی و معنوی عناصر آگاه و چیردگری نیست. در زندان سنجیده بود که هر لحظه از زندان کشیدم در سلول انفرادی به معنای استقبال از مسرگ تدریجی آگاهانه و تحمل هرگونه فشار و شکنجه ها غیر انسانی شبانه روزی بود. ایجاد رعب و وحشت صرفا به خاطر به وجود آوردن یکه جو پامسی و اختناق بود که در آن هرگونه حرکت و صدای حق طلبانه زندانی سرکوب گردید تا بلکه از ایصال شدن حقیق زندانیان سخنی به میان نیاید. در سلول پراز شیشه و شمعن از بسوی توالت بدون کمرچین تا پیش آفتاب ماهها با مسرگ دست و پنجه نرم کردم. زندانیان ها حتی از دادن گویی که دیگران اهدا کرده بودند خود دلبری می کردند. تنها چیزی که به بین وقفه از آن برخوردار بودم صدای ناله و فریاد زندانیان بیخواب بود که در زیر شکنجه های شبانه روزی در فضای سیاه چاه طنین می انداخت. صدای زنجیرهای پابند بلافاصله جای دادخواهی و فریادها را می گرفت. ایستادگی پشتیبانی کردن از خواست های بر حق زندانیان موجب دفعی و زورگویی بیش از حد زندانیان ها را فراهم می نمود در نتیجه با آوردن یکه شتم شرف به موت و مجتلا به دسبا امراض صوری به سلول من ماهیت ضد خلق خود را نشان دادند و در عرض که بنابه استراف پرتک زندان اگر به بند زندانیان های فرستاده می شد سلاخی تا چنان ها را به خطر می انداختند می پرسیم آید مردم نظام پزشکی حکومت زندانیان سیاسی در برابر امراض صوری و خطرناک تأکید و به اثبات رسیده است ۲ زندانی بنیاد بعد از دو سه روز بدون کمرچین اقدام پزشکی اضطرار صوری در سلول جان سپرد و زندانیان به بین توبیه به حسیق بشر و نگاهای قانونی من از حد حقوقی کردن محصل دانی زندگی (سیاه چاه مرگ تدریجی) من خود را از کرد تا بلکه شکنجه های روانی مرا صد چندان نماند. طی تادم شکنجه نتوانستم به قدر رسیده تسلیم طلبی را در من رشد دهد آنچه که رشد نمود آگاهی من از ماهیت ضد خلقی حکومت فشار بود و ماهیت غیر انسانی شان لحظه به لحظه روشن تر می شد تا این که در تابستان سال ۱۳۵۰ نیمه شب با برنده سازی های هلی و آماده نمودن شرایط و زمینه اعتراض مرا به محوطه بیرونی زندان کشانده و در حالی که بعد از پشتم دست ها از پشت به پاهایم را به فکله بسته بودند در روی خورده سنگ ها خورده نشسته هاسانتها شکنجه ام دادند و بدون توبیه به خورده بی باوری و راستم از پشت دست بند زده و لغت در روی سیمان ها خوابانده و با همسان پرونده ساختگی و اتهاماتی که به طور فزونی به مسر زندانی سیاسی وارد می کنند - از قبیل تبلیغ کمونیستی و توهین به مقام سلطنت و تحریک زندانیان به شورش و غیره به بندر عباس تبعیدم کردند. به زندانی که از گذشته های دور خاطرهای در آوری در آن هسان خلق های زحمتکش با به وجود آورده و پایه حال صد ها نفر از کرمای و شرمی تمام با شکنجه زندانیان ها در آنجا مرده و صد ها نفر کم و کور شده اند و هزاران خانواده چشم به راه بازگشت فرزندان تمبیدی خود مانده اند. در این زندان دوری بیش از دو هزار کیلومتر از خانواده و گرمای سوزان و شرمی زده به پلیس آگاسان می دانم که سیاست حکومت فشار و اختناق را به شدت به ترین وجه افعال نماید. رفیق سعید کلازتری را که از هواری در آن شکنجه میازید می به واریس بیضه و آسم مبتلا شده بود بعد از ۱۷ روزه انحصار صوری به بهانه مسالجه به زندان نقل لامه منتقل نمودند ولی بعد از

ماهها شکنجه همراه با ۸ نفر از بهترین فرزندان خلقی به اتهام دروغین اقدام به فرار اقدام نمودند. در این زندان هم پلیس برای تسلیم نمودن زندانیان سیاسی از افعال هرگونه مثل غیر انسانی و وحشیانه کوتاهی نمی کرد. با وجود این لی بودن از تیرگی پشتیبانی لیون ها و عناصر کبرو به داخل مواد غذایی خورده شیشه و آشغال و غیره می ریختند و برای خور کردن شخصیت زندانیان سیاسی به پیش شایعات کذب دست می زدند. در آن گرمای طاقت فرسا به طور رندی آب و برفی راضع کرده و پاشادی و پارگی و بانسفر از خنکی بیش از حد انا می های تکمیلاتی سخن می گفتند (تکمیلاتی و اتاق های زندانیان به کور مجبور بود). پلیس زندان با



پشتیبانی هیئت انتظامی شهرانی در هوای کشنده مرداد ماه مرا به ضد کشت به سلول داغ و ضعف انداخت یعنی برای کفری محکوم نموده در آن فصل سال هیچ جنبه شکنجی را آن طور مجازات نمی کنند. تمام بدنام از شرمی و نرسیدن اکسین لازم جو شریزه و روم کرد و در قلب به طور کلی هر لحظه از مرگ تدریجی را بر اویم بسی زیر آور تر کرد. طی از بزرگ یکباره محروم شدم. طتی بعد به جرم تسلیم نشدن به زورگویی ها زندانیان با پشتیبانی کور کور شهرانی همه رفتار به شدت بدترین وجهه شکنجه گردند و همه ما لیت می شدیم یکی از رفتار به نام حسین خوشنویس بیش از ۲۴ ساعت به طلت ضربات وارده در حال بیهوشی و خونریزی ماند. شرایط غیر قابل تحمل زندان (ما) محصل هلی برتری - رفیق شهید بهروز - شخصی - حسین خوشنویس - بهروز حقی) را وادار کرد تا با دست زدن به انقباض غذا در آن سلول داغ و تنگ و مرگدانی را به مرگ تدریجی توام با شکنجه در آن محوطه و توهین ترحیم دهم ۲۴ روزه انقباض با پابند است به زندانیان. بیست و سه روزه انقباض توام با زورگویی و پشتیبانی به سر نوشت و دادخواهی ما. در روز هفتم روزه انقباض بود که گچ و خاک در بر های سلول با ضربات تیشه و کلنگ ماورین ساواک و زندانیان ها به سروری ما ریختند. پلیس تا آخرین روزی گت بسواز دفن تان صفا در شده و هر لحظه که حفظ شدید چالنا می گیم در دست ظل صد ها . . . دیگر. بعد از ۴۵ روزه دست و پنجه نرم کردن با مرگ دو باره به داخل بند منتقل شدیم. تمام موجودی نشی و وسایل زندگی سان چپاول شده بود. ماهها گذشت تا این که در میرماه سال ۱۳۵۴ ما (حسین خوشنویس و محمد علی پر توره بهروز حقی) در حین فرار دستگیر شدیم و این بهترین بهانه را برای کشتن پایه پلیس داد. ما را بعد از دستگیری به شدت بدترین وجهی شکنجه کردند به طوری که بعد از چند دقیقه از لباس و عینک وساعت ما چیزی به جا ماند. بعد از چند روزه شکنجه های تمام توام با بازجویی های صلیحتی با زور و فرصتی به شکنجه و توهین می داشتند. حق سر وسیل طراه طرز مسخره ای تراشیدند. با فرصت طلبی یکی از هم نجیر هایمان را به نام بهروز صفی دانشجو می دانم که کشاورزی کوچ و اهل مشهد به اتهام دروغین اقدام به فرار همزمان با ما شکنجه شدند و باگالای شرمی و پستی به تک ناله ما در برابر انظار زندانیان عادی با ترم استعمال نمودند. رفیق بهروز صفی بعد از یک هفته تحمل شکنجه های جسمی و روحی و سختی در سلول داغ و بی هوای و شمعن شهید شد و

بدین وسیله از مرگ تدریجی حکومت فشار نجات پیدا کرد. پلیس در طول این مدت ۴ ماهه شکنجه را در آن نان هم به اندازه کافی خود دلبری می کرد. همچنین در این مدت نتوانستیم حتی یک دفعه به اندازه خوردن غذا از بند از آب داغ شده از گرمای جنوب و با شامپو با یک بار به هنگام احتیاج بدون پابند از توالت استفاده کنیم و در چنین شرایطی مجبور بودیم اکثر اوقات سلول به جای توالت استفاده کنیم. پابند ها آن قدر در پامان مانده بودند طلاه بر ایجاد زخم در ساقی ما در آخرین روز ها به علت رنگ زدگی به زور باز شد. بعد از مدتی هر کدام از ما را به سلول جدا گانه ای بردند. پلیس ۲۴ ساعت چنان به صفا با سلول می کوبید که انگار آن در روین سلول چون بمب صوتی صدای وحشت آوری تولید می کرد. آلودگی محیط و جوش و دمل در آوردن ما موجب شده بود که خون ما چرک شود. طولانی بودن دوران شکنجه های شدید نبودن اکسین به اندازه کافی و گرمای طاقت فرسا و تعفن غیر قابل تحمل سلول فشار بیش از حد دست نهاد و محروم بودن از حداقل غذای لازم و حتی آب و سردی فرد ما راه ناتوانی کلی و امراض گوناگون مبتلا کرد. بعد از تبعید شدن به زندان مشهد و معالجاتی که در بخش داخلی و جراحی بیمارستان شهباز توسط پزشک متخصص از من به عمل آمد. هر قدر به تحمل جراحی روده و انجام آزمایشات دقیق خلط سینه خون و ادرار - برای تشخیص و معالجه ناراحتی دستگاه تنفس و عروق ابلاغ شد و در این مدت بیش از چندین هزار تومان خرج دار و نمودم و بعد از گذشت ۲۶ ماه هنوز از طرفی طماست سلیق نسبت به عمل جراحی و سد اوای ناراحتی دستگاه تنفس و عروق اهدای نشده است بعد از انتقال من به تویز و مراجعه به بهداری زندان در تارسیخ ۱۰ / ۲۵ / ۵۶ پزشک زندان بعد از معاینه ده باره مرا برای عمل جراحی و سد اوای ناراحتی های دیگر به بهداری شهرانی و غیره معرفی نمود ولی هنوز هم با بی اختیاری مسئولین بواجه هستم. و این بی اختیاری به سر نوشت من بدم سد اوای به موقع موجب بروز عوارض دیگری نیز شد و ما لیت می شدیم و این بی توجهی های تحمیلی زندانی و هزاران زندانی سیاسی ایران را در معرض خطر مرگ قرار داده است.

اینک از تمام جامع صلاحیت دار به یوزه ارزیابست محترم کشته حقیق بشر در ایران و صلیب سرخ جهانی و مجله لوموند در خواستی می نامم تا با به کار بردن قدرت جهانی و ابتکارات خود و دادگاهی جیت ساکسه شکنجه گران و یوزه عاملین شکنجه منجر به مرگ همزخم بهروز صفی دانشجو می دانم که کشاورزی کوچ تشکیل داده و اقامت لازم را به عمل آورند. تقاضای من نامم با پیشبرد اهداف انسانی و تحمیل نمودن موازین بین المللی و به اجرا در آوردن حقیق شناخته شده بشر همان هزاران نفر زندانی سیاسی و شمعن در بند را از مرگ حقیق نجات دهند.

باتکمیر احترامات نامتته
بهروز حقیق - ضمیمه - زندانی سیاسی تویز
گیرندگان :

- ۱- رفیق محترم کمیسور حقیق بشر - سازمان ملل متحد - نیویورک - ایالات متحده آمریکا
- ۲- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کویچه دلا بلا شماره ۲ پاریس - چهارم
- ۳- دفتر محله لوموند - پاریس - فرانسه
- ۴- خانم مریون خاقلری - کمیته دفاع از آزادی و حقیق بشر و پیشبرد آن در ایران - خیابان فردوسی کوچه نهم - شماره ۲۱

درسهای گرانهای نبود اعتصابی کارگران گونی بافی

جنبش هاومسائل کارگری

اعتصاب صدها کارگر آجرپز

صدها تن از کارگران آجرپز مرد و اطراف آن از ریز شفته ششم خرداد ماه اعتصاب یکپارچه و پرشوری را آغاز کرده اند. اعتصاب کنندگان خواستار افزایش دستمزدهای ناچیز خود که در مقایسه با کارهای مشابه فرسای آنها ناچیز تر به نظر می رسد هستند. با این حرکت گسترده اعتراضی حدود ۱۰ کارگاه و کارگاه آجر پزی و مصالح ساختمانی مردند که تا این کشته بخش قابل توجهی از نیازهای ساختمانی آذربایجان است. به طور کامل طرح شدند و از کار بازماندند. بر اساس نخستین گزارش یکی از رهبران توده تعداد کارگران اعتصابی از هزار نفر بیشتر است. آنها می گویند در حال زمختی بر ششگی که سراسر ریزهایشان رای بر شاند. حتی آن هر مرد نمی گویند که بیوم ترین نیازهای زندگی خود و خانواده هایشان را بر آورند. زمختگی اعتصابی مردند که اکثر آجرپز از ۱۰ ساعت درجه بندی ترین روزهای تابستان در کارگاه های ریز آجر پزی و در کارهای طاقت فرسای کارگاه های خود به کار جوی مستغنی اشتغال دارند. نتایج تکان دهنده ای دارند که برای روحی و جسمی تمدن بزرگ و پخته شده بهشت بهشت کارگران کافی است. آن ها می گویند شکم های ما و خانواده هایشان را سحر کنید. همین. این تنها مسائل اساسی ترین تکرار اعتصاب است. یکی از کارگران فراتر از اعتصاب که سراسر عمر بخیرادر پای کوره های آجر پزی به سر آورده است. چشم تلخ نو بد گفت:

... من در حال ۱۰ ساعت کار روزانه مرد می خواهم فقط کرایه خانه و هزینه خوراک و پوشاک خانواده ام را بپردازم. اگر نمی خواهید این کار را هم بکنید. مانعی ندارم. من تصدیق می کنم سراسر روزها برای این آقایان کار کنم. آن ها هم به طور خشک خوراک و پوشاک ما را بدهند. بیک سر پناه برای خانواده ام در اختیارم بگذارند. کارگران اعتصابی هم اند تا بر آورده شدن خواست های حق و فصولی خود. همایزه اعتصابی یکپارچه و شور انگیزی را که آغاز کرده اند. ادامه دهند.

اعتصاب ۵۰۰ کارکنان برق تهران

پیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان برق تهران اوضاع سه شبانه و خورد برای اعتراض به حقوقی های ناچیز خود دست به اعتصاب زدند. بخش عمده کارکنان از ساعت ۱۵ صبح در اداره مرکزی برق تهران واقع در خیابان واکه اجتماع کردند. چند لحظه بعد کارگاه شهرنمایی اداره واکه در باغ وسیعی قرار دارد به معاصره در آورد. کارکنان برق تهران خواستار ۴ درصد اضافه حقوقی هستند. آن ها یادآوری کرده اند که حقوقی شان در سه سال اخیر ثابت مانده و تفسیری نیافته است و با توجه به افزایش سراسر آجر هزینه های زندگی. اضافه حقوقی در خواست است. می توان گفت که از افزایش حقوقی در سه سال اخیر قیمت ها در حدود سه سال گذشته تهران کند. اعتصابیون همچنین خواستار افزایش حداقل حقوقی در به دست آمد هستند که در حال حاضر ۱۰۰ تومان است. آن ها می خواهند که ۱۰ ساعت اضافه کارها مانده آن ها کفگیرا حذف شده است و باره بر قرار شود.

افزودن ریز اعتصاب به دستورساز و به تحریک صف اولی در کارخانه گونی بافی رشت را بستند. به کارگران پیشنهاد کردند که اگر طالب کار هستند، باید در کارخانه نام نهی کنند و تصدیق بکنند که هیچ در خواست و پیشنهادی ندارند. تعدادی از نمایندگان کارگر به کل کارگاه آمده شدند. جمعی دستگیر کردند و فشار برای به زانو در آوردن کارگران جاریه با انگشت گذاشتن بر نقل حساس آنها، برهنه قطع حفری ناچیز آنها شروع شد.

در ریزهای مرد این توسط پلیس، تعدادی از کارگران را که زیر نیازهای آنها ریزخانه خانواده خود و شکم های آنها نیز فرزندانشان رنج می بردند به زندان به تحویل گرفتند و با این تعداد افزوده گردید. کارگران با تکیه بر این پیگیر کوشش و آرزوی توده بسیار برداشته بودند. وقتی در نسی می نوشتند که در رشت نمی توانند به دستشان زمختی خود تصدیق کردند به سو کارشان برگردند. آن ها با تکیه بر نقاط حساس حرکت صحنی عجزی خود کردند. با تکیه بر دیگر نقاط کار را از هر جهت فراهم کنیم. این با تکیه بر نقاط ریز کار کردیم. لازم بود قبلا همه ریز را با هدف اعتصاب و مشکلات و مسائل احتمالی ناشی از آن آشنا می کردیم و در صورت امکان از مدت ها پیش از آن صندوق برای تأمین نیاز کارگران کتبهدست ترازو نظر تأمین حاشی ریزخانه آجرپز می آوردند. در تکرار می دیدیم این کارگران روی این نکته تکیه می ورزیدند که تغذیه و همبستگی ما کافی نبود و شکسته بود. این بزرگترین ضعف ما بزرگترین عامل هدرت کار و فرای زنگار و چپا رنگر بود.

کارگران آجرپز گونی بافی رشت از شکست روحی خود درس بزرگی های آینده را گرفتند و دریافته اند که صدای حق خواه آن ها بلند شود. با چاقی روحی حکومت ریز می شوند. بنابراین هر نتایج صحنی از نظر این رهبر ضد کارگری، با حرکت سیاسی است که حکومت را تهدید می کند.

صدها کارگر گونی بافی رشت از او خرابی بهشت ماه اعتصاب پرشوری را برای افزایش دستمزدها و بهیچ و شرایط کار خود آغاز کردند. کارخانه گونی بافی رشت یکی از واحد های تولیدی بسیار مهمی کشور است و در حدود ۱۰۰۰ کارگر در سه شیفت ۸ ساعته در آن به کار اشتغال دارند. کارگران با پیش کشیدن صافه گرانی ریز افزون و سراسر انگیزه های زندگی و مصروفیت های مختلف خود و خانواده هایشان تقاضای حق در زمین خود و ارتقاء سطح دستمزدها داشتند که با مخالفت و فشار صحت لاجو جانه صف اولی کارخانه روبرو شد. وقتی همه درصاف به روی کارگران بستند و مذاکرات و پیشنهادات آن ها در جهت رفع اندکی از تهمین ها و ناروایی ها و استعصا کردند. آن ها بر آن حاصل شده به جای نرسیده و ناچار به کارهای اعتصابی آغاز کردند. نخست کارگران شیفت اول کارخانه می آن که محل کار خود را ترک کنند و دست از کار کشند و روحی نوبت شیفت های بعدی رسید و دیگر کارگران نیز به آنها پیوستند. آن ها در مصوبه کارخانه اجتماع کردند و تقاضای افزایش دستمزدها را در کارخانه ارائه کردند و کار مصوب خود را سر خواهند گرفت که به نیازها و خواست های آن ها مانع چه شود. اما صف اولی به جای پاسخ مثبت به دهان هائی که نان می طلبیدند و دست های که آفریننده ثروت و نعمت و خالی از بدهی ترین حواصق ریزه زندگی است. برگ های هارمونی راه جان آن ها انداختند. پانصد نفری های ساواک بلافاصله در محل کارخانه حاضر شدند و بر ریزهایشان وارد شدند و راضی به کارگران حق جو شروع کردند. زیر ضربات سبانه با تکیه و مشت و پا تپیدند. سرنیزه و لوله همای تلخ و وصل و زمختگی سراسر ناگزیری ترک کارخانه شدند. اما بره های خود نشو و نما باز همدست از ضرر است نکتیدند و کارگران زمختی و طغیان کرده و با تکیه از فرهنگ و لیاقت خیا بان پهلوی تعصب کردند و بسیاری از آن ها راه شدت میریج و ضرب و سب ساختند. به بنیاد نبرد اعتصابی کارگران کماز طبیعتی ترین و عادلانه ترین شیوه های زندگی ساده و بی نصیب آن ها سرچشمه گرفته بود. با سرنیزه و باتوم و کینه کور ریز رو شد.

هنگامی که افزایش تحصیلی هزینه های زندگی را چگونه محصل کنیم؟ با یک نگاه اجمالی به افزایش سطح هزینه های زندگی و ضرر صمدی هزینه ها تا میزان ۱۰۰ درصد مشاهده می شود. به طور مثال:

شرح	سال ۵۱	سال ۵۲	درصد افزایش
کرایه پناه نای	۲۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال	۲۵۰٪
انرژی (برق)	۵۰	۱۲۰	۲۴۰٪
کرایه اجاره	۴	۱۰۰	۲۴۰۰٪
تعمیرات (مدرسه)	۱	۱۰	۱۰۰۰٪
مهر	در اثر گرانی طرح آجر و مصالح ساختمانی		
انرژی (تعمیرات)	۱	۱۲	۱۲۰۰٪
کود	۱۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰٪

در مدت ۲ سال بعد اکثر افزایش حقوقی صاف محاصل ۲۲ درصد بوده است. برای ترمیم این افزایش هزینه های جاری و چون نیاز همان بعضی ها در کار کرد یا از دستمال ها استفاده نمود و بهای نقدی تا در تاریخ ۲۲ / ۳ / ۵۷ در مصوبه اداره مرکزی (تنگ) گرد هم آیم و با توجه به جدول کویله فرقی لزوم حقوقی اندک مان به عنوان مسکن در مقابل در د کشته افزایش هزینه های زندگی، کمبود حداقل صدها درصد حقوقی را چاره ای بیندیشیم.

پیش از ۲۰۰۰ تن از کارکنان شرکت توانیر (تولید و انتقال نیروی ایران) در اطلاعیه ای که در ادارات مختلف این شرکت در تهران بخش شده قرار گرفته اند که روز ۲۲ خرداد برای افزایش حقوقی و دستمزدهای حقوقی و دستمزدهای حقوقی و دستمزدهای حقوقی در اداره مرکزی این شرکت واقع در رشت اجتماع کنند.

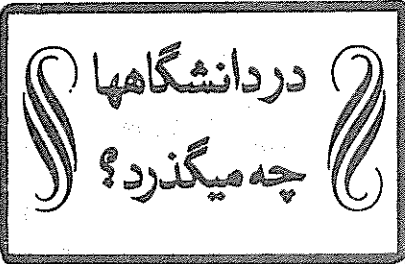
اعلامیه افشاگر کارمندان شرکت توانیر

کارکنان در اطلاعیه خود جدولی آورده اند که در آن افزایش هزینه زندگی از سال ۵۰ تا سال ۵۱ با زبان ارقام بیان شده است. کارکنان توانیر در افزایش هزینه های سراسر آجر زندگی خود را در اطلاعیه حقوقی هستند. متن اطلاعیه کارکنان توانیر به شرح زیر است:

حملة اوباشان رژیم به کوهنوردان جوان

اوباشان چاقی به دست و کماندهای شاه بار دیگر کوهی از جوانان کوهنورد را مورد حمله ناچهارمردانه و شورشانه قرار دادند و آنها را به صفتی طروب و مصوب ساختند. همه ای از دانشجویان مدرسه عالی بهی که روز جمعه ۲۶ اردیبهشت ماه به ارتفاعات در که رفتند بودند، ناگهان خود را با کارهای وحشی و اراذل چاقی در و زنجیر به دست حکومتی رودر رو یافتند. این هجوم بر برهمنانه طاهرا بدین هیچ دلیل و پندار موجهی صورت گرفت و اما در وقت این دسیسه رسوا، سازمان چابکنکار امنیت و شمعیه آن سازمان به اصطلاح دفاع غیر نظامی به چشم می خورد که هر اجتماعی را به هر شکل و هر تشکیک را در هر نقطه تهدید می نماید و بر او هم لوزان و ترسان شاه و دلوروستا شیطانی می کنند برای مقابله با آن شیوه راهزنان و چاقو کشان حرفه ای را به کفر می گویند. در هجوم چگای زنجیری شاه به کوهنوردان جوان در که حمله می نمودند و غوغا می کردند و با آنها برخورد می نمودند و دست بیای حدود از میله شاهانه گرفته بودند. نظیر این توطئه در نزد یکی روستای ابدیه نیز رخ داده است و دیگران

جوانان و دانشجویان نابلند. طاهرا شاه و جنایتکاران سارانی او که از گسترش ورزش چینی مردم و انتشار این و تشکیک مخالفان و مخالفین در یکتوری لگام گسیخته بهی هراس افتاده اند و رفتن از لای ها و در زینستان چابکنکاران و کمانده ها را در گوشه و کنار در کمر مردم نشانده اند و حتی ساده ترین ظن و ورزش جوانان را در کشوری که هیچ امکان فراغت و تفریحی برای جوانان ندارد و دیگر کوه های اجتنابی آن وجود ندارد و از آنجا رسیده اند.



قطعه نامه ۶ دانشجویان دانشکده اقتصاد

در تاریخ شنبه ۲ خرداد ماه سال ۷۰ در مجمع عمومی که با شرکت اکثریت دانشجویان با حضور اعضای هیئت علمی دانشکده تشکیل گردید. ضمن بررسی جریانات سال تحصیلی جاری در مراکز آموزشی کشور به طور عام مشکلات موجود در دانشکده اقتصاد بطور خاص و موارد زیر را به عنوان نتایج جلسه اعلام نمودند:

- ۱- ما در دانشجویان دانشکده اقتصاد و کشتار و حیثیانه دانشجویان دانشکده تهریز را که طی آن ۱۷ نفر از دانشجویان شهید پیش از یک صد نفر از آنان محروم شدند و تعدادی محروم کرده و حمایت خود را از خواستهای برخی استادان و دانشجویان دانشکده تهریز اعلام داشته و تاکید می کنیم که چنین حوا و ت اسطهاری نامتو از حدود نفای و حفاظان آور پلیس - نظای در دانشگاهها می باشد و خواهران افواج کار و نیروهای امنیتی از ضبط های آبی زنی هستیم.
- ۲- ما دانشجویان دانشکده اقتصاد و اخلاص در اداه فعالیت و دانشکده صنفی تهران راه هر بهانه ای محکوم کرده و ضمن افشاکری این توطئه ضد علمی و خواهران رسیدگی به خواست های خلقی و برخی استادان و دانشجویان و کارکنان این مرکز بزرگ علمی - صنعتی هستیم.
- ۳- ما دانشجویان دانشکده اقتصاد و حطه و حیثیانه مزدوران به اصطلاح نیروی پایداری راهه اکپ های که هنوز در دانشکده ها و مدارس عالی که ضربه خراب و مبرح شده زیادی از آنان گردیده است و کو که محکوم کرده و صرانه خواستار قطع این قبیل اقدامات بد بر حانه هستیم.
- ۴- ما دانشجویان دانشکده اقتصاد و حمایت فعال خود را از خواست های برخی در خزان دانشکده ساکن در کوهی دانشکده تهران اعلام داشته و خواستار لغو محدودیت های از قبیل طرقات صخره حضور و ضوابط روزانه و محدودیت های ساعت ورود و خروج آنها از خوابگاه و ... که بر آن ها تحمیل می شود هستیم.
- ۵- ما دانشجویان دانشکده اقتصاد و اخراج بی دلیل دانشجویان سال اول و تعدادی دیگر از دانشجویان این دانشکده و همچنین اخراج دانشجویان سایر دانشکده های دانشکده تهران و نیز دیگر دانشگاههای کشور و بعضی خلاف و مضار با گسترش سطح فرهنگ و دانش دانسته و خواستار ثبت نام مجدد در آنان بازگردانیدن محیط سالم آموزشی به مراکز آموزشی عالی هستیم و خواهران جبران نتایج سو' اقدامات ضد دانشجویی مقامات در ترم گذشته (از قبیل استنساب نمره (ه) و در نتیجه شروط شدن اکثر دانشجویان و قطع کلاس های تخصصی و ...) و همچنین در ابر کردن کلاس های ترم تابستانی به این قید و شرط برای کلیه دانشجویان سال اول تا چهارم این دانشکده هستیم.
- این جلسه علمی رفتم بستن درهای دانشکده و صانعت کار از ورود عمده ای از دانشجویان برگزار کردید. در اینجا تاکید می کنیم که تلاش مقامات در زین جملگی ارتشکول چنین سیاستی که حق مسلم ما است و احسان و صحتی فرا بیش از پیش مستحکم خواهد ساخت.

قطعه نامه ۴ استادان و دانشجویان حقوق

این قطعه نامه در حضور و حده زیادی از اساتذا دان و بهی از چهارصد تن از دانشجویان به عنوان جمع بنده می مجمع عمومی دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی در ریزه شنبه ۲۷ / ۷ / ۷۰ تصویب شد.

- ۱- استادان و دانشجویان در ادان ۲ ولعد و قطع کله هزینه و ضوابط شدن مسئله اخراج حده ای از دانشجویان دانشکده را مشاهده می کردیم و صرنا خواستار ثبت نام کلیه دانشجویان محروم و اخراجی (که به علت عدم شرکت در امتحانات خرد قانونی ترم پیش در معرض اخراج قرار گرفته اند) و همچنین لغو نمره (ه) میباشند.
- ۲- استادان و دانشجویان صرنا خواستار ادان ترم تابستانی به کلیه دانشجویان هستند.
- ۳- استادان و دانشجویان گرفتن چند قطعه صنفی (کتابخانه های دانشجویی و انجمن کوهنوردی و کتابخانه و نماز و انجمنی) را به عنوان حقوقی حاصل از تلاشها شان گرامی داشته و خواهران اداه فعالیت سایر واحد های صنفی از جمله نشر صنفی دانشجویی تندر و انجمن طب و انجمن پژوهشی و فرهنگی و نیز لغت نامه و واحد های صنفی موجود هستند.
- ۴- دانشجویان خواستار بر نداشتن آگهی های صنفی دانشجویی هستند. آگهی های که در لای اطاقی دانشجویان می باشند.
- ۵- این مجمع همه با کلیه مجامع علمی و فرهنگی و انجمن ل دانشکده صنفی آنها را مشاهده می کردیم و این اقدامات را به منزله خطری برای آموختن عالی کشور قلمداد می کنیم.
- ۶- این مجمع حطه های و حیثیانه به دانشجویان در کوهستان را مشاهده می کردیم و تکرار این وظایع را به متابه نفی ساده ترین معنی انسانی و لنگ مال شدن کلیه حقوق بدنی و اسلمی کشور تلقی می نمایند.
- ۷- این مجمع کشتار و بر حانه دانشجویان را در دانشکده تهریز به شدت محکوم کرده و به خانواده های این شهیدان و تمام ضعیفان و معزولان دانشکده ها و دانشجویان کشور تسلیت گفته و ضوابط می کشیم که این حادثه اسف انگیز بار دیگر ثابت نگردد. دانشکده به عنوان اصلی تشنج و شکست با آموزش و کشتار بی رحمی و طروب و جرح استادان و دانشجویان می باشد. از صحتی از صحتی دانشگاه بهیرونه در پایان دانشجویان تاکید می کنیم که این مجامع عمومی می باشد با آزادی بیشتر و هر چند وقت یک بار با شرکت استادان و دانشجویان تشکیل گردد و چرا که این مجامع همبستگی تمام استادان و دانشجویان را در خواست های اصولی صنفی نشان می دهد.
- صانعت اجرای این قطعه نامه اتحاد و همبستگی کلیه دانشجویان است.
- استادان و دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده تهران

نامه های اعتراضی

استادان و دانشجویان ادبیات

۲۴ تن از استادان این دانشکده در نامه ای خطاب به رئیس دانشکده چنین نوشتند:

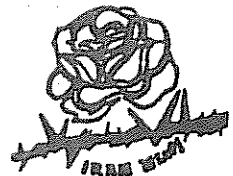
" با احترام چنان که آگاهی دارید در نیم سال اول تحصیلی ۲۰۳۱ - ۲۰۳۲ به علت شرایط و اوضاع و احوال خراب کلاس ها به طور مرتب تشکیل نگردید و کتور استاد می توانست به میزان لازم مواد درسی خود را در دسترس نماید. از این رو چون صحتی نبود تا بر اساس حجم ناچیز صوفی های تدریس شده اشخاص به عمل آید و اکثریت بی صفتی از اساتذاد در ابرای نمره - ای بی - ام یا تکرر به بالا نوشتند چون به حد کلیه تدریس شده و امتحان هم به عمل نیامد.

در نهایت تاسف مشاهده کردیم که مقامات مسئول آموزشی در برابر این نوشته صبح و روشن استادان بهی جای آن که نسبت به حذف دروس مزبور اقدام کنند و در نیم سال جاری از دانشجویان برای درسی بی نمره نام نویسی نمایند، برای کلیه دانشجویان نمره "ه" منظور داشته اند.

آقای رئیس دانشکده این اقدام گستاخانه را با یک نوع درگیری بی ضابطه میان استادان و دانشجویان و ایجاد یک محیط ضد صنفی در دانشکده جری آنگار است و جرم دست بردن در برده نمرات امتحانی استادان و نمره در ادان از طرف آنان.

با توجه به مراتب بالا و روشن بودن این امر که هیچ مرجع و وظای حق در ادان هیچ نمره ای راهه جای استادان هر بود ندارد و خواهشمند است دستور فرمایند تا نسبت به آنچه انجام شده است تجدید نظر کنند و به جای نمره "ه" در صوفی نمره از بویست ای بی - ام حذف گردد و به دانشجویان اجازه داده شود تا در صوفی نمره را به عنوان در صوفی حذف شده بار دیگر بگیرند.

دانشجویان این دانشکده نیز در نامه ای به استادان گل کشور ضمن اعتراض به اقدامات ضد قانونی مسئولان دانشکده که "بافت تشنج و گسختگی اسسور فصولی و فائوری دانشکده است" و "طوبه" وضع و در قبال تحمیل که دانشجویان این دانشکده مانند اکثر دانشکده های دیگر در ادان هستند ... و طبیعتاً مسئولین این مجمع اعلام جرم کردند.



برای آگاهی هواداران حزب

با یکبار دیگر برزنی هواداران حزب را در عهه جا آگاه سازمان و یکشنبه بر اساس دستورهای سازمانی که سرپیچی از انضامی توده‌های موجود آید و با مرکز حزب تماس برقرار سازند. برای برقراری این تماس تا هنگامیکه وسایل کاملاً مطمئن بهیچ وجه موجود نباشد تنها بنام مستشار پدین در آن هیئت‌خیز غیر مملاتی که ساواک بتواند از آن راه شمارا بنماید به نشانی حزب توده ایران نامه بنویسد و خبرهای جاسوسی مملکت زندقه خود و مصلحت‌انگیزان ایران را که در روزنامه‌ها منتشر نمی‌شوند برای ما بفرستد.

این گروه ناخوشایند خود را می‌شناسد. مستطاباً از ایران بفرستد ولی بهتر است آنرا به نشانی آشنای در خارج از ایران ... بفرستد و از او بخواهد که آن را به نشانی حزب ما به دست اندازد. در موردی حتی می‌توانید از نشانی کسانی استفاده کنید که انسانهای بدی نیستند و شمارا هم نمی‌شناسند. این بکشی دارد به امکانات و امکانات خود شما.

برقراری پیوند کامل سازمانی تنها از راه ارتباط مستقیم فردی که صد در صد مورد اطمینان شما باشد با سازمان مرکزی حزب روستا است. برای گرفتن این ارتباط باید دست‌برد نظریه‌ها را بیاورد و از یک طرف موری و یا از پشتیبان (نه از میان‌بند) با خانه سکری بدین نام و نشان خود به شماره تلفن ۷۹۰۰۲۱۱ و ۷۹۳۳۲۱۱ و ۷۹۰۰۲۱۱ در بارین تلفن کند و آقای باور B0501 را بخواهد. آن دوستان شماره تلفن را که با آن می‌توانید با مرکز حزب تماس بگیرید به شما خواهند داد. نه در تلفن اول و نه در تلفن دوم نام واقعی و نشانی خود را نگرید و خود را به نام مستشار معرفی کنید و بپس و اهتفاتی که به شما خواهد شد در قیاس نتیجه کنید.

راه دیگر برقراری پیوند وسیله یکی از دوستان مورد اطمینان است که در خارج زندگی با تمصلیت میکند و برای دیدار به ایران می‌آید و وسیله برقراری پیوند سازمانی بین شما و سازمان مرکزی حزب را فراهم می‌آورد.

برای ارسال خبرها و نامه‌های خود به "سوسه" متفرقه حزب توده ایران در داخل کشور نیز می‌توانید از نشانی مرکز حزب استفاده کنید.

ما در راه خلق حرکت می‌کنیم. هدف ما برقی است. راه ما درست است. ما سرانجام پیروز خواهیم شد.

خطر مرگ جان رفیق رحیم شیخ زاده را تبدیل به بی‌گناه

باهمبستگی فعال و وسیع دست‌جلاد را کوتاه کنیم!

"گروه" متشعب از "سازمان چریک‌های فدائیس خلق" طی اطلاعیه‌ای اطلاع داده است که یکس از اعضای آن گروه بنام رفیق "رحیم شیخ زاده" اخصراً توسط ساواک دستگیر شد و هم‌اکنون تحت شکنجه و تортور شکنجه‌ها و عوارضات قرار دارد.

ما ضمن انتشار همین اطلاعیه از مردم ایران و از همه صلح‌طلبان راه آزادی می‌خواهیم که بهیچ وسیله که می‌توانند در افضای هر چه وسیعتر این توطئه "جنگ‌طلبانگانه" ساواک بکوشند تا دست جلاد را از جان این حسین پرست انقلابی کوتاه کنند.

«توطئه پلید ساواک»

حدود ساعت ۱۱ صبح روز شنبه ۲۷/۱۱/۵۷ رفیق "رحیم شیخ زاده" از اعضای گروه ما در خیابانهای تهران توسط یکی از اکیه‌های گشتی ساواک دستگیر شد. شناسایی قرار گرفت. بدنبال این دستگیری مسلسل جانشینان ساواک برای اینکه دست خود را در شکجه هر چه وسیع‌تر بر این رفیق بی‌گناه از نیاید و در زیر شکنجه‌ها داشته باشند - بازگذاشته و شایع نمودند که رفیق شیخ زاده "در یک برخورد خیابانی شهید شده است".

ما ضمن اتمام این توطئه پلید ساواک از تمام نیروهای آزادخواه و از همه سازمانها و انجمنهای هوادار خلق بخواهیم که اطلاع از حقیقت زندانیان میاس در ایران و سایر جهان بخواهیم که در اکتفا این توطئه زندقه ساواک با ما همدا گردند.

البته اولین بار نیست که این جنایت بیگانگان علیه ما در دست چنین توطئه‌هاست میزند و آخرین بار نیز نخواهد بود. مگر اینکه همه نیروهای آزادیخواه و انقلابی وطن را به از دست ندهد، گریزی و فکشی بخلیف خود را در یک جبهه واحد و هر چه قدره تیره هر چه مستحکم تر نبوده و در هم نماندند، متحد زنا شاه خائن را سرزنش ساخته و به سلاخ هشت بسازد. اخصراً ساواک خانه دشمن.

در اکتفا: این اثر ناخوشایند توطئه‌ها و ساواک‌بگویی "گروه" متشعب از سازمان چریک‌های فدائیس خلق" ۱۲/۱۱/۵۷

تهاجم خونین به خانه‌های مردم ادامه دارد

طن رزم وحده و وحده‌های توفانی رژیم در صورت آزادی خانه‌سازی در "مخارج از سد رده تهران" و تهاجم گرازه‌های وحشی رژیم به خانه‌ها و گشاده مردم زحمتکش این مناطق و تخریب‌های پناه آنان که با هزاران خین دل و بریدن از زنان و آب‌زیزانه‌ها و طوقی به هر پاکردن آن‌ها شده اند و ادامه دارد.

گزارش‌های دیگر ناگرم نشان می‌دهد که کماحوران تخریب و فکشی شهروندی در روز و شبانه اول خوردن ماد بگناه و بولدوز رویک ماشین شخصی و پیوند میز و سبکت، بر روی تخریب‌خانه‌های واقع در زمین‌های اوقاف در شیران نوبه این منطقه هجوم بردند اما با مقاومت و تدابیر و جملگی زحمتکشان ساکن منطقه مواجه گردیدند. مردم آن‌ها و جوان و زن مردم با چوب و چماق و سنگ و آجر به مطالبه بسا ویرانگری رژیم پرداختند و آن‌ها را وارد ابره عقب‌نشینی کردند. امروز همه می‌دانیم پاکردن آوری سپاه همسایه رو

در محبت ماجوران و اوند لریمی و ساواک در این به منطقه‌ها یورش بردند و ضمن خراب کردن خانه‌های مردم چند تن از زحمتکشان مظلوم و متضررا دستگیر نمودند. نظیر این حادثه در صبح روز دوشنبه ۲۰ خرداد در منطقه "دشت‌نورد" واقع در خیابان فرح نو اتفاق افتاد که در ضمن آن گردکی توسط سپاهیان تخریب‌رزم در توده و فد خلقی شاه به شدت تخریب شد.

تداوم این حوادث که هر روز به بی‌خانمانی جملگی کثیری از این نصیب‌ترین زحمتکشان میهن ما می‌انجامد آشکارا ماهیت رژیم ضد خلقی شاه را که ثروت‌های سرشار طبیعی و انسانی کشور را در میانها غارت می‌کند و هر صدای اعتراضی را با وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوب و کشتار می‌کشد و شکست‌انداز می‌ساخت می‌گردید و همچون کابوسی شوم بر کشور ما سایه گسترده نشان می‌دهد. با اتمام و یکپارچگی خونخوار این کابوس طولانی پایان دهیم.

انتخابات کانون نویسندگان ایران

طن رزم کلرگشک‌ها تهیه‌شد، هار توطئه‌های پلیدی کانون نویسندگان ایران سرانجام در جلسه پرشور و هیجانی که در آن ۹۰ تن از نویسندگان، مترجمان و شاعران مصلحان و شخصیت‌ها و نمایندگان بلرز فرهنگ شرکت داشتند و هیات مدیره جدید خود را انتخاب کرد. گریختن‌های قبلی کانون نویسندگان برای انتخابات هیات مدیره به خاطر دخالت مستقیم پاس و تهدید گستاخانه‌ها و ماجوران افسوس و محاصر و مصل انتخابات توسط گرد‌های شهریان علی نشد. اما این سیاست‌ها بلا نفوذ فرهنگ بر اثر تداوم مبارزه اعضای کانون عقب ماند و هنوز بران فرهنگ‌گان و نمایندگان فرهنگ امروز ایران و با انتخاب چهره‌های مبارز و آزاد‌بغوازه بعنوان مدیران کانون

موضوع همزمان به‌طور آزاد و فرهنگی و گسودن فضای اختیاری کشور را نهاد کردند. در این انتخابات ۵ چهره سرشناس ادب و فرهنگ ایران کدر ضمن از راجل‌خوشام سیاسی کشورند و به ترتیب‌رای به شرح زیر انتخاب شدند:

- ۱- به آذین (محمود افشارزاده) ۲- باهر
- ۳- فریدون آدمیت ۴- فریدون تنکابنی
- ۵- منوچهر هزارخانی

تجدید "با تهنیت و هیات مدیره جدید کانون نویسندگان ایران و بهیچ‌وجه آن‌ها را در جبهه‌ها به خاطر اندیشه وحدت و آزادی صمیمانه آرزو ضد است.

رفیق گرامی انوشه با شماره ۲۱/۵۰ تماس بگیرید. با درودهای گرم

با ما به آدرس زیر کاتبه کنید:

Sweden
10028 Stockholm 49
P.O.Box 49034

مساب باکشی ما

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
B: O 400 126 50
Dr. Takman

پیام برای گروه تندر

رفقای گرامی، خواهش من کنیم هر چه زودتر با مرکز حزب تماس بگیرید. با درودهای گرم

متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!